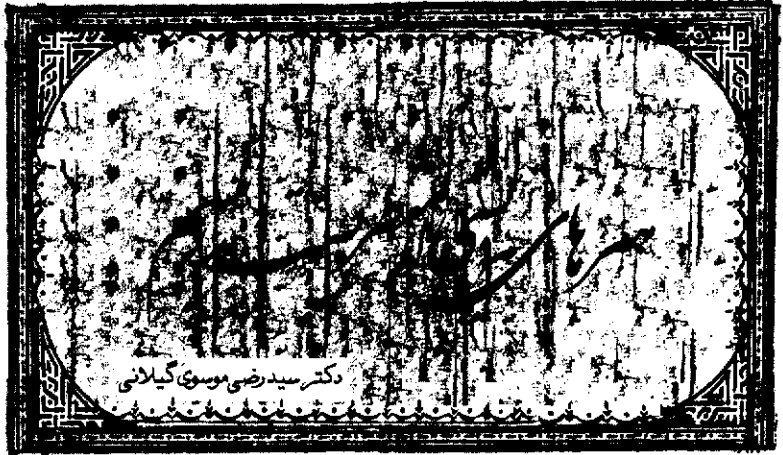




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



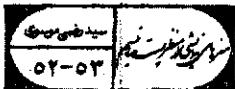
هنر نمایش یا هنر اجرا<sup>۱</sup> با آغاز تفکر پست‌مدرنیستی لیوتار در سال ۱۹۷۰، با قرآتی جدید و با این خاستگاه آغاز شد که هنرمندان این دوره معتقد گشتند توانایی‌های هنر مدرن به پایان رسیده است. برای متمایز ساختن آن از هنر نمایشی پیش از دوره پست مدرن، گاه اصطلاح پرفورمنس آرت، بدون ترجمه به کار می‌رود. این اصطلاح به هنری ترکیبی اطلاق می‌گردد که در آن، چند رسانه مانند تئاتر، موسیقی، رقص، درام و ویدئو، همراه با عناصری از واقعیت عالم خارج به کار گرفته می‌شوند و به سوژه‌های روزمره و متداول در میان مردم می‌پردازند.

در پرفورمنس آرت، افزون بر ویژگی‌های شنیداری، تصویری و نمایشی، از مخاطبان و تماشاگران به عنوان نمایشگران و جزئی از امکانات نمایش استفاده می‌گردد. در این هنر، از عواملی چون موسیقی، نور، عکس و هر پدیده‌ای که بتواند نمایش را حسی‌تر و واقعی‌تر سازد و فاصله بازیگر و مخاطب را کاهش دهد، بهره گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای که گاه برای حسی نمودن نمایش، به انجام اعمالی خشونت‌بار، جنون‌آمیز و غیرعادی دست می‌یازند.

هنر نمایشی پیش از عصر پست‌مدرن، در آثار فوتوریست‌ها، دادائیست‌ها و سوررئالیست‌ها دیده می‌شود که اغلب برای اثبات کارایی نظرات خود، دست به اعمالی خارق‌العاده عجیب و غریب و خنده‌دار می‌زدند. آثار گئورگر در برابر مردم، در دهه ۱۹۵۰ و آثار کلین در اوایل دهه ۱۹۶۰ که مدل‌هایی برهنه را پوشیده از رنگ نشان می‌دادند، از نمونه‌های نخستین هنر نمایشی است. حتی پرفورمنس آرت، هنری الحاقی به موسیقی راک به شمار می‌آید که افرادی چون آندرسون، از برجسته‌ترین مروجان آن بودند و از آن، برای کشف تخیلات شخصی خویش استفاده می‌کردند. از هنرمندان و نظریه‌پردازان عرصه پرفورمنس آرت، می‌توان به آنتونی هاوِل، ژوزف بشایس، لاری اندرسون، گیلبرت و گئورگ اشاره کرد.<sup>۲</sup>

## 1. Performance art

۲. مرتضی گوهرزی، هنرمندان پژوهشگاه حوزه هنری، تهران، ص ۱۳۷۸ - ۷۳۹ - ۷۳۸



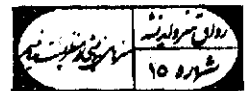
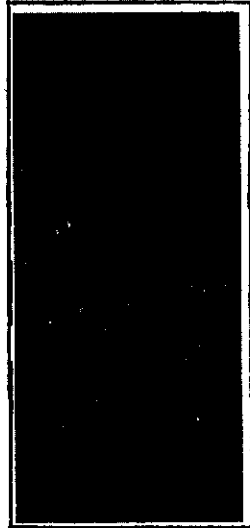
هنر نمایشی به صورت نمایش در خیابان، کافه، قهوه‌خانه یا گوشه‌ای از پارک، پیش از عصر پست مدرن وجود داشت و به عصر جدید اختصاص ندارد. در تمامی فرهنگ‌ها، نمونه‌هایی از هنر نمایشی را می‌توان دید؛ اما آنچه هنر نمایشی با قرائت پست‌مدرنیستی را از هنر نمایشی پیش از آن تفکیک می‌کند، عناصر و ویژگی‌هایی است که در هنر نمایشی این دوره به چشم می‌خورد؛ عناصری مانند به کار بردن انواع رسانه‌های هنری، همچون تئاتر، موسیقی، اپرا، هنرهای تجسمی، انجام کارهای خارق‌العاده و غیرعادی، از بین بردن فاصله میان نمایش و واقعیت، بداهه، شکستن زمان و مکان متعارف نمایش، شرکت و حضور مخاطبان در نمایش و...؛ به گونه‌ای که پرفورمنس آرت در دوره پست مدرن، از نمونه‌های پیشین خود تفکیک می‌گردد و شکلی ویژه به خود می‌گیرد.

پرفورمنس آرت با هنر/تفاتی<sup>۲</sup> ارتباط بسیار نزدیکی دارد؛ چنان که گاهی آن دو را مترادف به کار می‌برند و به یک معنا تلقی می‌کنند؛ زیرا بداهه در هر دوی آنها به چشم می‌خورد و بسیاری از اعمال، دیالوگ‌ها و حرکات‌های غیرمنتظره، به صورت ناگهانی و بدون تأمل قبلی انجام می‌شود و بر اساس سناریوی از پیش نوشته صورت نمی‌گیرد. از ویژگی‌های اصلی پرفورمنس آرت در عصر پست‌مدرنیسم که آن را از نمونه‌های مشابه پیشین جدا می‌سازد، موارد زیر است:

### ساختارشکنی

از مهم‌ترین و معروف‌ترین مؤلفه‌های عصر پست‌مدرن که این دوران را از عصر مدرن، ممتاز می‌سازد، ساختارشکنی است که در همه عرصه‌ها وجود دارد؛ زیرا هنر نمایشی پست‌مدرن نیز نقدی بر اجرای مدرن بود که در آن، همه چیز بوروکراتیک، منضبط و بر اساس ساختارهای رسمی بود. بازیگران پرفورمنس آرت کوشیدند با ساختار شکنی، نمایش رسمی و بر اساس دیسپلین را از میان بردارند. اندیشمندان پسا‌مدرن با هر گونه روایت کلان و رسمی، کارکرد خاص، یکسان‌گرایی و تمرکزگرایی، تفسیر جامع و همگانی، ایدئولوژی‌گرایی، چهارچوب مشخص، وحدت هویت و هر گونه رفتار توده‌وار، در همه حوزه‌ها مخالفت می‌ورزند و به این جهت، در ساحت هنر نمایشی نیز روحیه ساختارشکنانه، به وضوح دیده می‌شود.

### 3. Happening art



قرار دادن زمان و مکان غیرمتعارف برای نمایش، مانند جلسه‌های نمایش در نیمه‌شب یا در دریاچه خشکیده یا روستای دورافتاده، همه از عناصر ساختارشکناهای است که حتی گاه هنرمند را به سوی رفتارها و اعمال غیرمتعارف می‌کشاند. همچنین معلوم نبودن سناریو، دیالوگ‌ها، زمان پایان نمایش و بسیاری از اعمال غیرمنتظره، مانند تیراندازی واقعی به سوی بازیگر در هنگام نمایش یا خوابیدن در زمان اجرا، نوعی ساختارشکنی در پرفورمنس آرت است که آن را از هنر نمایشی پیش از این دوران جدا می‌سازد. مصداق‌های بیشتر این شالوده‌شکنی را در ضمن ویژگی‌های دیگر خواهیم دید.

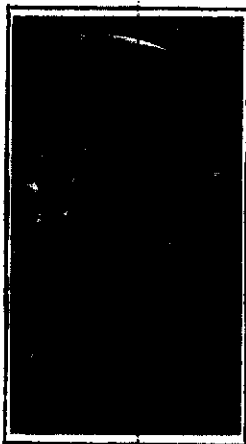
#### بداهه

یکی از ویژگی‌های پرفورمنس آرت، انجام اعمال، سخنان و نمایش‌های بداهه‌گونه و بدون تأمل و دقت پیشین است. گاه در هنر نمایشی، بدون آنکه از پیش تعیین شده باشد، بازیگر به بیان سخنان و انجام رفتارهایی دست می‌زند که پیش‌بینی نشده است یا بازیگر دوم، گاه بدون تعیین وقت، احساس می‌کند باید به دیالوگ و بازی بازیگر نخست پایان دهد و وارد نمایش گردد یا گاهی بازیگران به بازی‌هایی دست می‌زنند که حتی برای دیگر بازیگران، قابل تصور و پیش‌بینی نیست. هنرمندان پرفورمنس آرت برآنند که بازی بداهه، تماشاگران را از جنبه روانی، بیشتر جذب و درگیر نمایش می‌سازد و موجب می‌گردد نمایش، حسی‌تر و واقعی‌تر به نظر رسد. این یکی از راههایی است که نمایش را به واقعیت و زندگی نزدیک می‌سازد.

نظریه پردازان هنر نمایشی معتقدند که برآوردن انتظار مخاطبان با انجام اعمال غیرمنتظره، موجب تحریک‌پذیری بیشتر آنان می‌گردد و آنان را زودتر تحت تأثیر قرار می‌دهد.

گاه در هنر نمایشی، برخی بازیگران خود را پنهان می‌کنند تا بر شگفتی یا ترس تماشاگران بیفزایند. مارتین برتن در یکی از اجراهایش، در تاریکی قرار داشت و اشیا را از بالا به پایین پرتاب می‌کرد یا در اجرایی دیگر، یک صندلی راحتی بدون آنکه فردی بر آن قرار گرفته باشد، به شکلی مرموز و غیرمحسوس، در حال تکان خوردن بود.

بداهه‌گویی، نوعی بیان ضمیر ناخودآگاه بازیگر است که برای آنکه خودآگاه او بر ناخودآگاهش



اثر نگذارد، هیچ‌گونه رفتار خاصی، حتی زمان پایان نمایش برای او تعیین یافته نیست و محدودیتی برای او پدید نمی‌آورد و او بدون آنکه تعیین شود که چه بگوید و چه انجام دهد به فرافکنی خویش می‌پردازد.

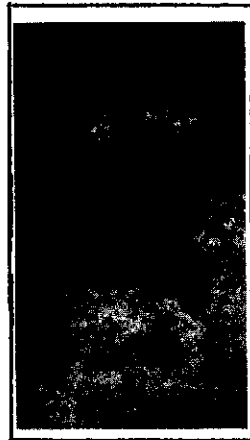
### نوآوری و خلاقیت

یکی از عناصر پرفورمنس آرت، ابداع و نوآوری، ایجاد روحیه خلاقیت و شکوفایی و پرهیز از هر گونه تکرار ملال‌آور و کلیشه‌ای است. یکی از ویژگی‌های عصر پست‌مدرن این است که هنرمند می‌کوشد کلیشه‌ای و یکسان عمل نکند. البته شاید بتوان این را از عناصر مشترک عصر مدرن و پست‌مدرن دانست که نوآوری و ابداع در ذات و ماهیت خود، دارای ارزش و موضوعیت است و به طور مستقل، امری قابل تحسین و ارزشمند به شمار می‌آید. به همین جهت، پس از رئالیسم، در همه حوزه‌ها، سبک‌ها و شیوه‌های گوناگونی شکل می‌گیرد؛ اما در عصر پست‌مدرن، افزون بر خلاقیت و نوآوری، از هر گونه کلیشه‌سازی، یکسان‌نگری، تفسیر رسمی و مطلق‌اندیشی پرهیز می‌گردد و تنوع‌اندیشی و تکثرگرایی اهمیت می‌یابد.

بیشتر هنرمندان عصر پست مدرن مواد، اسلوب‌ها و روش‌های غیرهماهنگ و غیرمتجانس را در آثارشان به کار می‌برند. این ویژگی پست‌مدرنیستی در گزینش عناصر پراکنده و ناهماهنگ و نامتجانس، امری است که هنرمند مدرن آن را نفی می‌کند. در واقع، تنوع‌اندیشی و کثرت‌گرایی هنری از عمده‌ترین عناصر پرفورمنس آرت و یکی از وجوه ممیز هنر مدرن از هنر پست‌مدرن است.

### سرگرمی و تفریح

طرفداران پرفورمنس آرت کوشیدند در هنر نمایشی، عناصر تفریحی و سرگرم‌کننده را افزایش دهند. بدین سبب، افزون بر کارهای خارق‌العاده و غیرمنتظره، به نور، اپرا، تئاتر، صحنه، لباس، دکور و عناصر زنده بیشتر توجه نشان دادند؛ برای نمونه، در یکی از این نمایش‌ها، چند قورباغه زنده را که بدن آنها با پارچه‌ای سفید پوشانده شده بود و در صحنه نمایش می‌پریدند، رها ساختند



تا زیر پای بازیگران له شوند. حتی گاه برای ایجاد شوک در بیننده، از خشونت و کارهای غیرعادی بهره می‌گرفتند. برای نمونه *ناتاشا لژر*<sup>۴</sup> در تصویری از خود، به نام *زنی که عاشق غداست*، سر خود را با ماکارونی و هویج پوشانده بود و خود را در معرض دید دیگران قرار می‌داد.

### زمان و مکان غیرمتعارف

در هنر نمایشی، به جهت همان عنصر پست‌مدرنیستی، یعنی شالوده‌شکنی، نمایش در زمان و مکانی غیرمتعارف اجرا می‌شد؛ مثلاً نخستین اجرای عمومی گروه *ویتو آکنسی*<sup>۵</sup> در سال ۱۹۷۹، با نام *افشای رازها* در ساعاتی پس از نیمه‌شب، در دهکده‌ای دورافتاده و تاریک، در کنار رودخانه *هودسون*، در هوایی سرد اجرا گردید که در این اجرا، تنها صداهایی به صورت نجوا و آرام به گوش می‌رسید. همچنین فضای هنر نمایشی اختصاص به مکان خاصی ندارد و بازیگران هر جا را که مناسب بدانند، برمی‌گزینند؛ چه محوطه بسته باشد یا باز. برخی اجراکنندگان تماشاگران را به خانه‌شان دعوت می‌کنند و در آشپزخانه یا داخل کمد یا پستو، به اجرای نمایش می‌پردازند؛ مثلاً افرادی چون *آنتونی هاول* و گروه هفت نفره او نمایش *دایره‌های پویا* را در زمین خشکیده دریاچه‌ای در غرب استرالیا که به قطر دوازده کیلومتر بود، اجرا کرده‌اند.<sup>۶</sup>

### مشخصی نبودن کیفیت و پایان برنامه

همچنین در هنر نمایشی، بر خلاف برنامه‌های متعارف که ساعت آغاز و پایان آنها مشخص بود، ساعت پایان برنامه مشخص نیست و اجراکنندگان می‌توانند به صورت دلخواه آن را به پایان ببرند، در میان نمایش، اعلام استراحت کنند یا برنامه را آن‌قدر ادامه دهند تا اینکه یکی از بازیگران به پایان یافتن آن نظر دهد. به هر روی، ممکن است هنر نمایشی تا زمانی نامعین ادامه یابد. افزون بر آن، کیفیت اجرای بازی‌ها تا حدی، بر حسب بداهه و در اختیار خود بازیگران است و کسی آنان را به بازی‌های خاص محدود نمی‌سازد.

### هنر نمایشی سیاسی و مذهبی

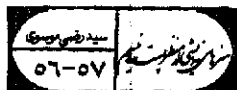
یکی از موارد استفاده از پرفورمنس آرت در عصر پست مدرن، استفاده‌های سیاسی، آیینی و

4. Natacha Lesueur.

5. Vito Acconci

۶ احمد دلمود، بازیگری و پرفورمنس

آرت. نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵.



مذهبی از این سبک هنری است. برای نمونه، در سال ۱۹۸۵ در چکسلواکی، *توماس رولر*<sup>۷</sup> به دلیل اجرای نمایشی سیاسی، به زندان محکوم شد. وکیل وی عمل او را عملی نمایشی و مستند به کتاب نوشته شده او در سال ۱۹۷۹ دانست و بدین سان، او را تبرئه کرد.<sup>۸</sup> *جوآن جوآنس*<sup>۹</sup>، هنرمند سرخپوست آمریکای شمالی نیز تحت تأثیر مراسم آیینی قبایل سرخپوست، این مراسم را به صورت هنر نمایشی که به وسیله جادوگر قبیله هدایت می‌شد، در تپه‌های محل زندگی قبایل اجرا کرد.<sup>۱۰</sup>

البته استفاده از هنر نمایشی یا پرفورمنس آرت در مسائل سیاسی و اعتراض‌های اجتماعی و حتی جنبه‌های آیینی و مناسک، می‌تواند تا حدی، از اهداف پست‌مدرنیستی به دور باشد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های برجسته اندیشمندان پست‌مدرن در تمامی ساحت‌ها، ایدئولوژی‌گریزی و دور شدن از هر گونه کارکرد حزبی، اعتقادی و سیاسی است و عدم وفاداری به روایت کلان و رسمی خود اقتضا می‌کند که یک نمایش در مسیر خاصی جهت‌دهی نشود. به همین جهت، به سختی می‌توان نمایش‌های سیاسی و مذهبی را نمایش پست‌مدرنیستی اطلاق کرد.

### فراگنی ضمیر ناخودآگاه

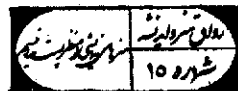
طرفداران هنر نمایشی برآنند که پرفورمنس آرت تجلی‌بخش ضمیر ناخودآگاه بازیگران است و آزادی موجود در نقش‌ها، بازی‌ها و دیالوگ‌ها موجب می‌شود آنان به هر صورت دلخواه به ایشای نقش یا به تعبیر دیگر، آشکارسازی روحیات، عواطف، احساسات و امیال خویش بپردازند. از این رو، امکان دارد در طول نمایش، حرکات و اعمالی غیرقابل پیش‌بینی از بازیگران سرزند و مخاطبان و تماشاگران آشنا با این سبک نمایشی هر لحظه انتظار دارند بازیگران به اعمال و کنش‌های غیرمنتظره دست زنند. اعمالی که تماشاگران را بهت‌زده می‌سازد و خستگی و دل‌زدگی از یک نمایش طولانی را از آنان می‌زداید. به همین جهت، در نمایش چون *پایک دیده* می‌شود که او با پرتاب بیانو از صحنه نمایش یا حمله به فردی در یک نمایش رسمی، حالت رسمیت را از بین می‌برد و همگان را از اعمال خود شگفت‌زده می‌سازد. در هنر پست‌مدرن، چه در چیدمان و چه در نمایش، همواره می‌توان انتظار اموری شگفت و غیرطبیعی را داشت.

#### 7. Thomas Ruller

۸. احمد دامود بازیگری و پرفورمنس آرت، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۵.

#### 9. Joan Joans

۱۰. احمد دامود، بازیگری و پرفورمنس آرت، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۰.



نظریه پردازان هنر نمایشی معتقدند، برآوردن انتظارات تماشاگران با انجام اعمال غیرمنتظره، موجب تحریک احساسات و عواطف آنان می‌گردد و آنان را زودتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین جهت، در این نوع از هنر، هیچ چیز به صورت کامل، قابل پیش‌بینی نیست و گویی همه چیز سر صحنه و در هنگام بازی تعیین می‌گردد؛ مثلاً بازیگران از زمان و ساعت آگاهی ندارند، هیچ‌یک از بازیگران نمی‌دانند نمایش تا چه زمانی ادامه می‌یابد و چه وقت به پایان می‌رسد و بازیگر دوم، هر چند ممکن است با بازیگر نخست توافق کند و در زمانی خاص وارد بازی شود؛ اما اگر خواست، می‌تواند در زمان دلخواه، بازی را آغاز کند و منتظر لحظه‌ای خاص نماند.

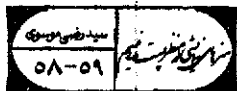
#### هدف فاصله نمایش و تماشاگر

با وجود آنکه هنر نمایشی در عصر پست‌مدرن، شبیه نمایش‌های خیابانی دوره‌های پیشین است؛ اما در پرفورمنس آرت، تلاش می‌شود فاصله میان بازیگر و تماشاگر از میان برداشته شود و گاه در این نمایش، خود تماشاگران به بازی گرفته می‌شوند؛ مثلاً ماریزیو کاتلان<sup>۱۱</sup> برای گالری هنری لوسرن در نیویورک، میزی یازده نفری برای فوتبال دستی طراحی کرده بود و در هر یک از دو طرف، چوب‌دستی‌هایی برای یازده نفر طراحی شده بود که در هر طرف، یازده نفر می‌توانست با آن بازی کند.<sup>۱۲</sup> در بسیاری از مواقع، به جهت شکسته شدن مرزها و چهارچوب‌های رسمی هنر نمایشی، فضای نمایش و بازی بازیگران با فضای تماشاگران آمیخته می‌شود و از یکدیگر فاصله ندارد و این امر به نزدیک‌تر شدن تماشاگران به نمایش کمک می‌کند.

در هنر نمایشی، انتظار می‌رود هر یک از تماشاگران، زبان اجرای نمایش را برای خود و با مفاهیمی که برایشان قابل درک است، تفسیر کنند. در واقع، بخشی از تفسیر نمایش به دست مخاطبان است و چه بسا این تفاسیر، بازیگران را متوجه معنای جدید و روشن‌تری سازد که به ذهن خود آنان خطور ننموده بود. در واقع، بازیگران هنر نمایشی، تفسیر حرکات و نمایش‌های خود را از تماشاگران می‌خواهند. کاسته شدن فاصله نمایش و مخاطبان، موجب شده تماشاگران نیز افزون بر حسن نمودن فضای نمایش، گاه خود نیز جزو بازیگران نمایش گردند. بنابراین، تفسیر نمایش مبتنی بر تفسیرهای متنوع مخاطبان است. نمایش، معنای خود را در ذهن مخاطبان و

#### 11. Maurizio Cattelan

۱۲. احمد دلمود، بازیگری و پرفورمنس آرت، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۵.





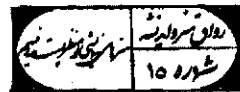
تماشاگران می‌جوید و هر گونه که در تفسیر آنان وارد شود، معنادار می‌گردد. موارد بسیاری پیش می‌آید که پاره‌ای تفسیرهای بینندگان به معنا و مقصود نمایش افزوده می‌گردد؛ تفسیرهایی که به ذهن خود بازیگران نیامده است. از این رو، گفته می‌شود که تماشاگران جزئی از امکانات بالفعل پرفورمنس آرت به شمار می‌آیند.

### حذف فاصله میان نمایش و واقعیت

در هنر مدرن، به طور ساختاری، هنر از زندگی جدا شده بود؛ اما در عصر پست مدرن، کوشیده شد این فاصله و تفکیک از میان برود و هنر به متن زندگی کشانده شود.<sup>۱۳</sup> به همین جهت، از ویژگی‌های هنر نمایش این است که تلاش می‌شود مرز میان نمایش و واقعیت در آن شکسته شود و امور واقعی جلوه داده شوند؛ مثلاً در یک نمونه هنر نمایشی که باید به سوی یکی از افراد، تیراندازی می‌شد، او اجازه داد تا واقعاً به سوی او تیراندازی شود تا به جای تظاهر به تیراندازی، صحنه نمایش واقعی شود. در این صحنه، او را پس از مجروح شدن، به بیمارستان بردند. نمونه دیگر اسکات برتن بود که در موزه گوگن، به کمک دو جوان، تابلوی زنده‌ی زیان جسمانی را به نمایش گذارد؛ بدین صورت که دو جوان در طول یک ساعت، هر چند ثانیه، حالاتی متفاوت، چون دوستی، قطع ارتباط و امثال آن را در حالت‌هایی ساکن به نمایش می‌گذارند که از دور، به نظر می‌رسید این دو مجسمه هستند. رابرت مورس نیز در نمایشی به نام مکان استقرار، تابلویی از مونه، نقاش امپرسیونیستی را به صورت زنده و نمایشی به اجرا درآورد. تابلوی مونه زنی را نشان می‌دهد که روی کاناپه دراز کشیده است. به همین جهت، زنی به صورت زنده، در طول زمان نمایش، روی یک کاناپه دراز کشید. این شیوه بسیاری را جذب کرد و مورد استقبال قرار گرفت. به این ترتیب، در بسیاری از نمایش‌ها، افراد زنده نقش مجسمه را بازی می‌کنند و به جای به کار بردن مجسمه، ممکن است فرد یا افرادی در طول زمان نمایش، ساعت‌های طولانی، چونان مجسمه، در حالتی ساکن و بدون حرکت قرار گیرند. از مؤلفه‌های هنر نمایشی که برای جذب مخاطبان مورد اهتمام قرار گرفت، ایجاد بهت‌زدگی و درگیر کردن مخاطبان با نمایش است که البته این عنصر را می‌توان از ویژگی‌های پدید آمده در عصر مدرن دانست.

گاه از بین بردن فاصله میان نمایش و واقعیت، به جهت حفظ رفتار و ثبات درونی بازیگران است. برای طبیعی‌تر و واقعی‌تر جلوه دادن نمایش، تمهیداتی فراهم می‌شود که هنرمند احساس کند به جای نمایش، در متن واقعیت و زندگی طبیعی خود قرار دارد یا به تعبیر دیگر، در حال زندگی نمودن است؛ مثلاً گروه جزیره بزها در سیکاکو، در یکی از اجراها، همگی جز یک نفر که در حال اجرای نمایش بود، سر خود را به زیر آب می‌بردند و قرار گذاشتند تا هنگام پایان اجرای آن بازیگر، در این حالت باشند و تنها در فاصله اتمام اجرای آن شخص و شروع اجرای شخص دیگر، سر خود را از زیر آب بیرون می‌آوردند و نفس می‌کشیدند. بروس گیل کریست، یکی از

۱۳. قابل توجه است که در تاریخ هنر شرق و در میان هنرمندان اسلامی، میان هنر و زندگی هیچ فاصله‌ای نبود و هنر جزئی از صناعت و پیشه تلقی می‌شد. برای نمونه، یک معمار، آهنگر، بنا، قالی‌باف، کتابدار، کوزه‌گر و دیگر افراد مشغول در مشاغل و صنوفه در ضمن کار و پیشه خود یک هنرمند به شمار می‌آمدند که می‌توانستند در ضمن کار خویش، به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و هنری بپردازند اما در عصر مدرن، یک نقاش یا مجسمه‌ساز، هنر را پیشه و صنعت خویش ساخته است و خود هنر شغل او گردیده است. نه اینکه هنر در ضمن شغل او وجود داشته باشد. از این رو، در فرهنگ سنتی، یک دختر قالی‌باف بدون آنکه مباحی هنر و رنگ را بشناسد، بر اساس روح لطیف و دست نخورده‌اش، تصویری را روی فرش، گلیم، جاجیم و گبه ترسیم می‌کرده است که در عصر مدرن، هنرمندان بزرگی چون گوگن، به جهت آشنایی با مباحی هنر و تجربه‌های حرفه‌ای در نقاشی، می‌توانند ترسیم کنند.



بازیگران پرفورمنس آرت، با بیدار ماندن به طول چند روز، توانست هنگام اجرای نقش در محیطی شلوغ و پر سروصدا، به خوابی عمیق فرو رود. بازیگر دیگری نیز با چند روز گرسنه ماندن، نقشی را که مربوط به غذا دادن به دیگری همراه با زجر و زحمت بود، به نمایش گذارد. در واقع، گاهی برای طبیعی جلوه دادن بازی و ایجاد ثبات درونی، به این قبیل کارها دست می زدند. بازیگران نیز برای رسیدن به این حالت، کلمات و رفتارها را به دلخواه خود ادا می کردند.

### شکستن مرز هنر و زندگی

در هنر نمایشی، همان طور که مرز میان واقعیت و نمایش شکسته می شود، مرز میان هنر و زندگی نیز شکسته می شود. *لیندا مونتانو*<sup>14</sup> نیز - که پیروان هنر نمایشی معتقدند او مرز میان هنر و زندگی را برداشت - در اجرای هنر - زندگی، به مدت یک سال، خود را با طنابی به طول دو و نیم متر، به شخص دیگری به نام *تچینگ هسی*<sup>15</sup> بست؛ بدون اینکه در این مدت او را لمس کند. او خواست با این عمل، ثابت کند که نمایش وی جزئی از زندگی است و میان نمایش و زندگی اش فاصله ای نیست.

موارد مذکور پارهای از مهم ترین ویژگی هایی است که در پرفورمنس آرت وجود دارد و هنر نمایشی را در عصر پست مدرن، از هنر نمایشی پیش از آن متمایز می سازد. اندیشه های پست مدرن عناصری را وارد هنر نمایشی ساخت که آن را مانند بسیاری از پدیده ها و عرصه های دیگر، از عصر مدرن تفکیک ساخته است.

14. Linda Montano  
15. Teching Hsieh

پژوهنده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

